



« سجاد سالاروند متولد سال ۱۳۶۱ در شهرستان دوردور استان لرستان است و به دلیل مجاورت با دامنه‌های اشتراک‌کوه از نوجوانی علاقه‌مند به کوهنوردی می‌شود. تا در نوروز سال ۹۵ در اثر سانحه رانندگی هر دو پای خود را از دست می‌دهد. او اما این اتفاق را حکمت خداوند می‌داند که بنا بوده در ۳۴ سالگی پاهای خود را از دست دهد و بعد از آن بدون پای زندگی کند. پاهایش را امانتی از طرف خدا می‌داند که خودش داد و خودش هم گرفت. همین روحیه هم باعث می‌شود که درست ۴۵ روز بعد از تصادف، نخستین قله‌اش را فتح کند. فتح بام ایران در فاصله کمتر از دو سال بعد از تصادف، فتح دیوار بیستون برای اولین بار در جهان با پای مصنوعی، فتح برج میلاد در ۳۵ دقیقه با پله نوردی، فتح قله آرات معروف به بام ترکیه به ارتفاع ۵۱۳۷ متر، عنوان سومین کوهنورد معلول فوق حرفه‌ای دنیا را در کارنامه دارد. سالاروند هم اکنون در رشته دو میدانی با استفاده از پروتزهای کربنی ایرانی مشغول به فعالیت است.

است که شاید ۸-۷ کشور بیشتر این تکنولوژی را نداشته باشند ما هم از هیچ کجا به هیچ وجه کپی نکردیم و هیچ فرآیندی هم نبود که ما بتوانیم برویم و از آن الهام بگیریم. بعد این ارگان دولتی به من گفت باید بروید تأییدیه اتحادیه اروپا را بیاورید و ما این کار را کردیم. سنگی بود که فکر می‌کردند این سنگ آن قدر مانع بزرگی است که ما نمی‌توانیم از روی این بپریم. ولی این اتفاق افتاد و ما تأییدیه اتحادیه اروپا را هم گرفتیم. و آن‌ها واقعاً خلع سلاح شدند و دستشان را بالا بردند و این یک واقعیت تلخ است که خود تحریمی خیلی اذیتمان می‌کند. تکنولوژی این محصول واقعاً کار خیلی پیچیده‌ای است. ولی برای رسیدن به این تکنولوژی و ساخت نهایی پنجه‌های کربنی ۲۰ درصد توان و انرژی ما صرف شده است. ۲۰ درصد دیگر توان ما را گرفتن مجوزها و تأییدیه‌ها گرفت و ۶۰ درصدش هم صرف ورود به بازار شد. فکر می‌کنم ورود به بازار یکی از موانع اصلی است که همه شرکت‌های دانش بنیان دارند و اکثراً سر همین مرز که می‌رسند عقب‌نشینی می‌کنند؛ یکی از اصلی‌ترین دلایل این مانع بزرگ، فرهنگ خودمان است. ما



استاندارد تدوین کردیم گفتند: دستگاه می‌خواهیم که استاندارد را بتوانیم تست کنیم. گفتیم آقای دولت دستگاه می‌خواهیم برای تست. گفتند ما که دستگاه نداریم. خودتان می‌خواهید چکار کنید؟ دستگاه ساختیم و همه این فرایندها را رفتیم روزی فرارسید که برای اولین بار آقای ریحان یاری قرار بود به عنوان شخصی که پایش قطع شده بود از پنجه ما استفاده بکند و نظر بدهد. یکی از نقاط عطف زندگی من و آقای دکتر همان روز است؛ آقای ریحان یاری کاپیتان تیم ملی فوتبال قطع عضو کشورمان بود. ایشان آمد و استفاده کرد. آن لحظه یکی از ناب‌ترین لحظه‌هایی است که یادمان می‌افتد. وقتی اول راه رفت و بعد دوید ما مدام داشتیم نگاه می‌کردیم الان چی می‌گوید؟ و جوابی نمی‌داد، می‌رفت و برمی‌گشت. در یک کریدور خیلی طولانی می‌رفت و برمی‌گشت. می‌دوید. من آخرین بار گرفتمش. گفتم آقای یاری چطور است؟ گفت که آقای مقاره عابد دارم پرواز می‌کنم بگذار ادامه بدهم این لحظه ناب‌ترین لحظه‌های ماست. می‌گفت من قبلاً یک پنجه کربنی انگلیسی داشتم اینکه الان دارم هم خیلی نرم‌تر است و هم خیلی انعطاف دارد. بگذارید من به پروازم ادامه بدهم. این یکی از جمله‌هایی است که ما در آرشو ذهنیمان همیشه ماندگار شد و جزء مواردی بود که هر موقع به مشکل می‌خوریم سعی می‌کردیم از آن استفاده کنیم. هر وقت در این ۱۰ سال انرژی- مان می‌افتاد آن کلمات آقای یاری ما را دوباره سرحال می‌آورد و پیرانژی می‌کند.

از ماتلاش از ارگان‌های دولتی سنگ اندازی اخود تحریمی داخلی

رفتیم یکی از ارگان‌هایی که مسئول خرید این تجهیزات بود گفتیم آقا ما هم مجوزش را داریم و هم تست بالینی شده است. گفتند شما تأییدیه اتحادیه اروپا را دارید؟ خیلی عجیب بود برای من آن موقع گفتیم تأییدیه اتحادیه اروپا؟ من داخل کشور خودم هستم. گفتند نه ما فقط تأییدیه اتحادیه اروپا را می‌خواهیم. این تکنولوژی جزء تکنولوژی‌هایی

”

هر جور می‌توانستیم پیگیری کردم و نهایتاً بعد از ۱۰ سال پیگیری من و NGO های مختلف افراد دغدغه مند آن اتفاق خیلی مبارک افتاد. تلاشمان این بود که بتوانیم بیمه توان بخشی و بیمه درمان معلولین را مصوب کنیم